

**یادداشت**



**زخم‌های بسیار بر تن محیط‌زیست**

زیبیر رحیمی | محیط‌زیست ایران گرچه زخم‌های بسیاری بر سینه دارد و از درد آب، خاک و هوای ناپاک به خود می‌پسند، اما من در این فرصت کوتاه می‌خواهم در مورد معضلی که کمتر به چشم می‌آید، اما اثرات بسیاری از خود به جای می‌گذارد حرف بزنم. زخمی که بر خلاف تصورات ما تاثیرات بلندمدتی روی مغز، قلب و حتی بقای نسل ما دارد. بحرانی که هنوز به واسطه جهان سومی بودن در اولویت ما قرار نگرفته است. این دیو خلموش «آلودگی هوا» نام دارد.

در زمستان کوه‌ها را بر غلیظی در برمی‌گیرد. این یک پدیده طبیعی نیست، دست‌نخورده ما انسان‌هاست برای زمین. دست‌نخورده که دامان خودمان را هم گرفته است. اما سوال اصلی آن است که آیا این غول آلودگی که هر روز پرورتر می‌شود و سایه می‌گستراند روی شهرهای زیبای ایران، مُردنی نیست؟ شکست خوردنی نیست؟

هر دیو رفتنی است حتی اگر دیو بزرگ آلودگی هوا باشد. به شرط آگاهی و به شرط مطالبه. به شرط آنکه تک‌تک ایرانیان بدانند که هوای پاک سهم و حق آنهاست. به شرط آن که بدانیم دیو بزرگ‌تری به نام «انت» پشت دیو آلودگی هوا پنهان شده است. باید صاحبان ثروت و به تبع آن قدرت را از پشت دیو آلودگی هوا بیرون کشید. این رویای دست‌یافتنی محقق نمی‌شود مگر به شرط آگاهی مگر به شرط مطالبه.

**گزارش «شهروند» از خانه شاملو در خیابان ویلا در آستانه تخریب یا نوسازی**

**عاشق‌ترین مترو که تهران**

معماران زاده، کارشناس معماری اداره میراث فرهنگی تهران در گفت‌وگو با «شهروند»: از چند روز پیش بنا بوده معاونت میراث فرهنگی نامه‌ای به شهرداری بفرستد تا جلوی تخریب این خانه گرفته شود

**مهتاب جودکی |** اسر کوچه خسرو، خانه‌ای متروکه است که ۵۳ سال پیش، در نیمه‌شبی زمستانی، احمد شاملو عاشقانه «آیدا در آینه» را بر دیوارش نوشت. از پنجره‌های از جا درآمده این خانه سه‌طبقه که آجرهای قرمز به‌منی‌اش با خانه‌های دیگر خیابان ویلا فرق دارد، چند ماهی است که صدای پتک می‌آید. گویند آیدار است خانه‌ای را که خاطره حضور مرد شاعر هنوز در آن زنده است، نوسازی یا تخریب کنند. میراث فرهنگی تهران اما به «شهروند» می‌گوید به شهرداری تهران نامه زده و گفته به دلیل ارزش معماری این بنای پهلوی، در آوردن پنجره‌های غیرقانونی و تخریب ممنوع است. یادگارهای شخصیت‌های فرهنگی بسیاری در گوشه گوشه شهر فراموش شده است؛ مثل خانه نیما یوشیج در درازشیب که مخروبه شده، مثل خانه فروغ فرخ‌زاد در کوچه اعرابی که تخریب شد و دوستداران میراث فرهنگی ماه‌ها تلاش کردند تا دست‌کم جلوی تخریب خانه پدری‌اش را بگیرند. حالا هم پنجره‌های خانه پهلوی کوچه خسرو را از چارچوب در آورده‌اند؛ خانه‌ای با «دو خشت از اشک و دو خشت از خنده».

شاملو پس از ترک خانه خیابان خرم‌دند جنوبی، مدتی در این خانه زندگی می‌کرد و در دست همین خانه نزدیک یک‌سال می‌عاد گاه او و آیدا بود. همسایه‌ها کمتر می‌دانند اما آیدا سر کیسیان (همسر شاملو در یکی از مصاحبه‌هایش داستانی از دیوارهای این خانه روایت کرده است: «شب پیش شاملو در خانه ما درس می‌داد. تابلستان بود و در غروبش باران عجیبی هم بارید. فردا که به خانه آنها رفتیم، او نبود. نشستیم روی تختش که کنار دیوار بود و پشت به دیوار، ناگهان بر گشتم دیدم با ممد روی دیوار شعری نوشته شده با اسم آیدا در آینه که تاریخ و امضایم دارد. متحیر شده بودم و حال عجیبی داشتم. ناگهان وارد شد. نگاهش کردم! گفت بخوان. شعر که می‌نوشت من باید با صدای بلند می‌خواندم. خیلی عادی گفت دیشب بیدار شدم، خواستم بنویسم دیدم کاغذ نیست. روی دیوار نوشتم. آن شعر بدون هیچ تغییری در کتاب چاپ شد.» (گفت‌وگو با روزنامه شرق)

**میراث: به شهرداری نامه می‌زنیم**  
مهدی معمارزاده، کارشناس معماری اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تهران خانه شاملو را می‌شناسد: «همانی که نیش جنوبی کوچه خسرو است، خانه‌ای سه‌طبقه آجری که پنجره‌هایش را هم برداشته‌اند تا خرابی‌شان را ببینند. به گفته او از چند روز پیش معاونت میراث فرهنگی بنا بوده نامه‌ای به شهرداری بفرستد تا جلوی تخریب این خانه را بگیرد.  
معمارزاده می‌گوید: «جدا از این که شاملو در این خانه زندگی می‌کرده، معماری این ساختمان ارزشمند است و اجازه تخریب آن را نخواهیم داد. از طرف دیگر هنوز مستندات هم مبنی بر این که این جا خانه شاملو بوده است، نداریم و به



**رد پای شاعر از تهران تا امامزاده طاهر**

دوستداران شاعر، چند سالی است که برنامه گردشگری می‌چینند و رد پای شاعر را در تهران دنبال می‌کنند. «شاملوگردی» آنها از خیابان صفی‌علیشاه آغاز می‌شود؛ محله‌ای که بامداد در آن متولد شد و دفتر محله خوشه (به سردبیری شاملو) هم آنجا بود در دهه ۴۰. البته بی‌آنکه اثری از خانه شماره ۱۳۴ (زادگاه الف. بامداد)، کتابفروشی صفی‌علیشاه و دفتر مجله خوشه باقی مانده باشد. مسیر تور فرهنگی احمد شاملو می‌رود تا خیابان آ‌ش‌خ‌ه‌ادی، کوچه وزیر (سخن‌ور)، خانه سابق عین‌باشایی، دوست نزدیک شاملو که در سال ۵۷ وقتی شاملو و آیدا از لندن باز می‌گردند چند ماهی مهمان او می‌شوند تا خانه‌ای اجاره کنند. شاملو گردی به کافه نادری می‌رسد، جایی که به سیاق روشنفکران دیگر پیش از انقلاب، پاتوق بامداد هم بوده. مقصد بعدی دوست داران شاعر خانه‌ای است در خیابان خرم‌دند جنوبی که نخستین دیدار بامداد و آیدا در بهار سال ۱۳۴۱ همانجا اتفاق می‌افتد. راه آنها تا دو خانه در خیابان خرم‌دند ادامه پیدا می‌کند؛ یکی با نامی آجری که خانه آیدا بوده و دیگری در همسایگی اش، خانه‌ای با نامی سنگ سفید که شاملو در آن می‌زیسته است. هر دو خانه هنوز پابرجا هستند. این خانه از بنای پهلوی کوچه خسرو هم دور نیست. از میان یادگارهای بازمانده از شاملو، تنها یکی در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. خانه دهکده فردیس از سال ۶۸ محل زندگی شاملو و همسرش بود؛ مکانی که بسیاری از آثار ماندگار این هنرمند در آن خلق شده است. این خانه به عنوان موزه و با نام «بنیاد الف بامداد» فعالیت می‌کند اما بازدید از آن نیازمند هماهنگی قبلی است.

دم‌دستم نبود روی دیوار نوشتیم.  
**بعد از آن روز هیچ وقت به آن خانه رفته‌اید؟ آیا آن شعر هنوز هم روی دیوار است؟**  
بعد از آن که از دواج کردیم و مادرشان هم از آن جا رفتند، دیگر توی آن خانه نرفتم. فقط از جلویش رد شده‌ام. از سرنوشت آن دیوار هم خبری ندارم. اما افسوس می‌خورم که چرا آن تکه از گچ دیوار را برداشتم. می‌شد دیوار را با کاهگلش کند و جایش را به سادگی پر کرد. اتفاق عجیبی بود که هنوز ذهنم را درگیر می‌کند. کل ماجرای «آیدا در آینه» غریب بود. اول از من خواست بخوانم، اما خودش با آن صدای بی‌نظیرش برایم خواند؛ لبانات به ظرافت شعر... چاپ که شد یک کلمه هم از شعر عوض نشد. بعد از من می‌پرسند شاملو را چگونه دوست داشتی.  
**خانه را برای مزایده گذاشته بودند**  
صبح دیروز سیاوش رامش، یکی از کاربران توئیتر، عکسی



**رد پای جدید از گوزن‌های گمشده**  
پس از جاری شدن سیل و آبگرفتگی سایت میانه رود دز فول و پارک ملی کرخه، خبری از سرنوشت گوزن‌های زرد ایرانی موجود در این سایت تکثیر و پرورش در دست نبود. محیط‌بانان منطقه با استفاده از پهپاد و تیمایش زمینی منطقه جست‌وجو برای یافتن این گوزن‌ها را آغاز کردند و روز شنبه خبر یافتن این گوزن‌ها را آغاز کردند و بعد خبر یافتن یکی از گوزن‌ها منتشر شد. حالا فعالان محیط‌زیست می‌گویند از پارک ملی کرخه خبر می‌رسد که محیط‌بانان شواهدی از زنده بودن تعدادی از گوزن‌ها پس از وقوع سیل یافته‌اند.

**عکس نوشت**